

بیگنا

شماره مسلسل ۱۰۱

سال نهم

آذرماه ۱۳۳۵

شماره نهم

دکتر محمد علی اسلامی

جواهر لعل نهرو

بمناسبت شصت و هفتمین سال تولد نهرو

« نهرو مرد سیاسی است که ابتذال يك مرد سیاسی را ندارد » این عبارت است که آندره زیگفرد، ادیب بزرگ فرانسوی در سفری که چند سال پیش به هند کرد و بیدار نهرو نیز توفیق یافت، درباره او نوشت.

جواهر لعل نهرو، نخست وزیر هندوستان، اکنون ۶۷ سال دارد و شاید هیچ رهبر قومی در این روزگار با اندازه او در چشم قاطبه ملت خود عزیز نیست. محبت و احترامی که نهرو از خود در دل مردم هندوستان و بسیاری از مردم جهان افکنده است، بهیچ وجه مبنی بر احساسات کور و ناهوشیار و گذرنده نیست و ارزان بدست نیامده، نزدیک نیم قرن زندگی سیاسی این مرد در کشمکش و جدال با ستم و زور و ناراستی گذشته است و اکنون نیز که مدتی است استقلال کشور خود را بدست آورده، در کار نبرد با جهل و کورسنگی و زبونی ملت خویش است، منادی بزرگ جهان شناخته شده. نهرو از آنهایی نیست که از کاشانه راحت و امن خویش فرا خوانده

می‌شوند تا بر کرسی رهبری ملّتی بنشینند. این مرد از روزی که پا به صحنه سیاست گذاشت تا روزی که مأمور تشکیل نخستین دولت هند آزاد شد، یکی از بحرانی‌ترین



کاندی ونهرو

و شکر فرتیرین زندگی‌ها را گذرانیده بود. تنها معجزه اتفاق اورا از چنگ مخاطرات گوناگون رهانیده بود و تا آنروز زنده نگاهداشته بود. اگر خطا نکنم نهر و نزدیک چهارده سال عمر خود را در زندان بسر برده‌است و بازی سر نوشت این بود که یکی از نامدار ترین دشمنان استعمار بریتانیا، روزی باراده خود دولت انگلستان مأمور فرمانروائی بر کشوری شود که دیگر او از اداره اش عاجز مانده بود. خردمندی و بزرگواری نهر و بود که ملّت هند را واداشت تا پیوند خود را بیکباره با انگلستان بکسلد و گذشته‌ها را فراموش کند و کرد کینه‌توزی و انتقام بگردد. چه، اومی دانست که شرق از تمدن مغرب زمین بی‌نیاز نمی‌تواند بود و تنگ نظری و انتقام‌طلبی دور از مصلحت همت ملّتی است که خود روزی مشعلدار تمدن جهان بوده است.

نهر و یکی از نخستین کسانی بود که بمأموریت کاندی برای نجات مردم هند پی برد و نبوغ آرام و مردانگی و تقوای او را دریافت و بدینگونه در صف هواخواهانش

درآمد. برغم بعضی اختلاف نظرها، ارادت و اعتقاد نهر و به گاندی هیچگاه نقصان نیافت. گاندی نیز میان مریدان و همکاران خود نهر و را برای جانشینی خویش برگزید در حق او می گفت « جواهر لعل مانند بلور پاک است » یا « جواهر لعل امیر است در میان مردان . »

فلسفه گاندی مبنای سیاست هند قرار گرفت و صلح طلبی و بشر دوستی او آرمان سیاسی آن کشور شد. از زمان ماههای اوّل استقلال، هندوستان در صحنه سیاست جهان در شمار کشورهای بزرگ درآمد. استقلال اندونزی، تاحدّ زیادی بر اثر کوششهای دولت هند و شخص نهر و، تأمین گشت. نماینده هندوستان در شورای ملل متحد همواره پشتیبان حقوق ملل ضعیف و برابری و آزادی بوده است و دولت هند با ایمان و مراقبت خاصی، در اجرای دورکن اساسی سیاست خود که حفظ صلح جهان و ضدیت با استعمار است، کوشش کرده. حتی دشمنان سیاسی نهر و نیز نمی توانند سهم بزرگی را که او در فرونشاندن آتش جنگ کره و هند و چین داشت انکار کنند. صدای نهر و بلندترین صداهائی است که سالهای اخیر در دفاع از آسیا و افریقا و بطرفداری از ملل محروم بلند بوده است.

بنظر نخست وزیر هند، سرچشمه آشوب و نفاق جهان، در عدم هم آهنگی و عدم تفاهم میان شرق و غرب است. شرق بیدار شده است و دیگر حاضر نیست که غریبان بر سر نوشت او حاکم باشند. تا روزی که دول مغرب زمین در پذیرفتن این واقعیت اقبال ورزند، کشمکش و اختلاف از میان بر نخواهد خاست. مردم آسیا و افریقا، نسبت به غرب، در درجه ای فروتر از دانش امروزی هستند و از وسائل مادی و صنعتی بهره کافی ندارند. احتیاج، آنها را برمی انگیزد که راهی را که ملل باختر پیموده اند، بسرعت به پیمایند و برای این کار نیازمند کمک و همکاری و دستگیری غرب هستند. چنین کمکی باید بانیت خیر و بدون غرور و منت انجام شود، چه، اقتضای صلح و آرامش و صلاح ملل خوشبخت و بی نیاز نیز در همین است. بعقیده نهر و روش استیلاطلبی بر دول ضعیف، بهر رنگی باشد، چه سیاسی و چه اقتصادی، روش اهریمنی است. تنها در آزاد زیستن است که خصائل نیک انسان پرورده و شکفته می شود و برعکس

قید واستعمار زمینه را برای پرورش صفات زشت فراهم می کند .

نخست وزیر هند یکی از بانیان کنفرانس باندونگ بود که سران کشورهای آسیائی و افریقائی، را کردهم آورد و در آن رابطه بین شرق و غرب مورد بحث قرار گرفت . هند ، در این کنفرانس کوشید که نظرهای افراطی را باهم التیام دهد و تفاهم بیشتر و پایداری میان ملل آسیائی و افریقائی ایجاد کند .

سیاست هند هر چند در اول از طرف عده ای با شك و ظن روبرو شد ، ولی با گذشت زمان توانست خود را بشناساند و احترام کشورهای بزرگ را بخود برانگیزد . پس از آنکه دستکاههای تبلیغاتی کمونیست ، در بجنوبه جنگ سرد ، از دادن هرگونه دشنام به نهر و فرو گذار نکردند ، سرانجام اتحاد جواهر شوروی ، خود دست دوستی بطرف هندوستان دراز کرد و نهر و را چون میهمان بسیار عالیقدری در خود پذیرفت و دانشگاه مسکو او را « حامی بزرگ صلح » خواند . از طرف دیگر بسیارند کسانی که در آمریکا معتقد شده اند که برغم ادعای بعضی دشمنان ، او ، نه تنها کشور خود را بکام کمونیسم نمی افکند ، بلکه مشی سیاسی هند ، آن کشور را سد بزرگی در برابر اشاعه و پیشرفت کمونیسم کرده است . دو گلاس قاضی محکمه عالی آمریکا می گوید « نهر و مؤثرترین مخالف کمونیسم در آسیاست » ، بسیاری از صاحب نظران دیگر نیز بر همین عقیده اند که بدون نهر و و سیاست خاص او ، افسون تبلیغات چین مائوتسه تونگ ، بر کشورهای جنوب شرقی آسیا بمراتب اثر بخش تر میشد .

از نظر داخلی نیز پیشرفتهای کشور هند در طی این دهسال استقلال ، شکفت آور بوده است . اداره سرزمین پهناوری چون هند با سیصد و هشتاد و دو میلیون جمعیت و زبانها و مذاهبها و سنتهای گوناگونش ، کار آسانی نیست ؛ خاصه آنکه این اداره با روش دموکراسی و بارعبایت قانون اساسی صورت پذیرد که از مترقی ترین قانونهای اساسی دنیاست و همه شون آزادی و برابری در آن تضمین شده است .

نهر و تنها یک مرد سیاسی نیست . کمتر سیاستمدار امروز وسعت معلومات او را در مسائل گوناگون معارف بشری دارد و این بگفته خود او حاصل سالها زندان است که در آنجا فرصت مطالعه و تأمل یافته است . بغیر از چرچیل ، هیچیک

از سیاستمداران معاصر باندازهٔ نهر و کتاب ننوشته و هیچ مرد سیاسی دیگری مایهٔ شاعرانه و لطف و ادراک او را ندارد. نهر و زیباترین نشرها را بانگلیسی مینویسد، نوشته هایش گاهی بشعر نزدیک میشود، بعضی از صفحات آثار او میتواند جزو بدایع جاودان ادبیات هند بشمار رود. در شخصیت نهر و تمدن شرق و غرب بهم رسیده‌اند و شاید هیچکس را نتوان یافت که در وجودش، کهنه و نو و شرق و غرب و شعر و سیاست و عرفان و عقل، با اینهمه اعتدال و سلامت بهم درآمخته باشد.

مجلهٔ «تایم» آمریکا در یکی از شماره‌های خود نوشت «قسمت اعظم دنیا بهرچه نهر و بگوید با توجه و احترام گوش میدهد». گفته‌های نهر و، برخلاف نطق‌های غالب سیاستمداران، از حساب و منطق سردسیاسی نه، بلکه از نیروی روشن و گرم درونی، سرچشمه میگردد.

خود او چندی پیش در یکی از کنفرانسهای مطبوعاتی خویش گفت «هنگامیکه مردم از من میپرسند چرا این اندازه از خود خشنودم، با آنها می‌گویم: برای آنکه همیشه همانرا کرده‌ام که دلم خواسته است، بی آنکه به نتایجی که بیار می‌آورد، توجه داشته باشم. وقایع جهانی اخیر ایجاب کرده است که همکاری نزدیکتری میان دو کشور بزرگ هند و آمریکا پدید آید؛ اگر سفر نهر و به ممالک متحده و گفت و شنود او با ژنرال ایزنهاور منتهی به چنین نتیجه‌ای گردد، بی‌گمان برای تحکیم صلح جهان و تفاهم بیشتر میان شرق و غرب، بسیار پرثمر و نویدبخش خواهد بود.

یغما - جندقی

حسرت پرواز ...

چرخ و باد عقده بکارش فکند باز، منم
در دل مرغی اگر حسرت پرواز، منم
تا بدین دولت شایسته سرافراز، منم
آنکه هرگز نکند دعوی اعجاز، منم
رندِ تخمخانه کشر میکده پرداز، منم

آنکه یک عقده ز کارش نکند باز منم
نیست مرغی که پرش رست و نزد بالی، ماند
زلف در پای تو، کودست؟ که بینم روزی
بگشا لب به تبسم که مسیحا گوید
مرد میدان دو جامه حریفان، یغما